

## تک‌وشه

### به بلندای قاسم بن الحسن (علیه السلام)

به بهانه ششم اسفند؛ شروع یک حرکت پربرکت قرآنی

با آقای اخوت دست دادم و گفتم: «قول بدیم تا آخرش ما دوتا پای این کار همونیم، چرا که اگر فقط خودمان هم بهانیم کار ادامه پیدا خواهد کرد.» این جمله نقل به مضمون است از کسی که سال ۷۷ با آقای اخوت عهدی بستند و کاری را شروع کردند که حالا رسیده به مدرسه قرآن و عترت (علیهم السلام) و بعدا...

تو بندگی چو گدایان به شرط مزد مکن / که دوست خود روش بنده پروری داند (این فال، شب شروع این اتفاق مبارک گرفته شده و در صفحه ۵ اسفند سر رسید سال ۷۷ نوشته شده است و زیرش متنی که قسمتی از آن در ادامه می آید.)

بسم تعالی

یازهر (سلام الله علیها)، ساعت ۱۰:۲۰ (شب) ۷/۱۲/۶

بالاخره بعد از مدت ها و ماه ها بحث و صحبت و انجام کارهای مختلف، با لطف و یاری خداوند متعال و بزرگ و توجه خاصه بانوی بزرگوار حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و عنایت آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و همت و تلاش بچه های خوب و بزرگوار دانشکده (علوم)، تلاش ها

تقریباً به ثمر نشست و اولین جلسه پر از صفا و معنویت و پرانرژی تحقیقات قرآنی تشکیل شد. عامل اصلی این تشکیل و فاکتور مهمی که این دل ها را در این مجموعه جمع کرد، لطف

و نیت های پاک و خالص شروع به کار کرد. هرچند امروز اولین جلسه تشکیل آن بود و کار بخصوصی هنوز انجام نشده است، ولی ذات و نفس جلسه امروز سرشار از خیر و برکت بود که بسیاری نمود کنونی داشته و بسیاری دیگر در آینده ای نزدیک نمود و ظهور پیدا خواهد کرد ان شاء الله. وحدت و همدلی و صفا و خلوص نیت و پشتکار در روحیه همه موج می زد.

واقعا خود را عاجز از توصیف این جمع و مجموعه و اعضای آن می بینم. جمعی که بی شک تک تک افراد آن شامل عنایت و توجه سرور زنان بهشت و شفیع روز محشر قرار گرفته اند و در آن حضور یافتند؛ که این

حضور خود عنایت و طلبی از سوی خدا و همه بزرگواران و ائمه (علیهم السلام) می باشد.

توجه به حضرت زهرا (سلام الله علیها) و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و انس داشتن با این دو عزیز خدا از ویژگی های این جمع بود، که امیدواریم نواقص و کاستی هایی تک تک افراد این جمع و جمع های اینچنین با لطف و رحمت و امدادهای آنها برطرف گردد و همه قابلیت دریافت فیوضات الهی را پیدا کنیم...

این عهد حالا هم سن و سال قاسم بن الحسن (علیهم السلام) است، هنوز مانده تا بشود هم سن ابا الفضل العباس (علیه السلام) و...

طهارت (سلام الله علیها) بود و خواست آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که چنین محفلی با چنین تفکرات و اندیشه ها



منتظر کاشف ۴۰ باشید...

در تارنمای کاشف بخوانید!



صاحب امتیاز: احمد رضا اخوت  
سر دبیر: نعیمه پور صالحی



مدیر مسئول: فاطمه قنبریان

هیأت تحریریه: دانشجویان مدرسه قرآن و عترت (کاشفیون)



سه شنبه  
۲ اسفند ۱۳۹۰  
۲۸ ربیع الاول ۱۴۳۳  
شماره ۳۹  
www.Kashef.goo.ir | KashefNews@Live.com  
سال اول

برای عضویت در گروه خبرنگاران افتخاری کاشف نام خود را همراه با عبارت

«خبرنگار» به شماره ۰۲۹۴۹-۰۹۱۹۳۱ پیامک کنید



رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

مؤمن مانند درختی است که برگش در زمستان و تابستان نریزد:

گفتند: یا رسول الله آن چه درخت است؟ فرمود: درخت خرما.

اصول کافه-ترجمه مصطفوی، ج ۳، ص ۳۳۲



### به‌نام ســــلام

## فن آوری و تجهیزات در جهاد نرم!

یکی از برادران مجهز من است، نمونه یک مجاهد دارای امکانات، که جنس امکاناتش بسیار ویژه است. نمونه‌ای از بسترهای بروز تکنولوژی و امکانات او، سر سفره غذا قابل ارزیابی است. سفره که می‌اندازد و با او که هم‌غذا می‌شوی، غذا خوردن طعم دیگری پیدا می‌کند؛ آخر او غذا نمی‌خورد، بلکه عشق می‌کند. وقتی کتاب می‌خواند، کتاب که نمی‌خواند، کتاب را زندگی می‌کند. با او که هم صحبت می‌شوی، اگر سخنی برایش قابل فهم و در راستای نیازهایش باشد و او این چنین تشخیص داده باشد، می‌توانی اثرش را در برق چشم‌هایش ببینی و بعدها در جایی دیگر در کلمات و اعمالش مشاهده کنی. همین توصیف، در خصوص تدریس و ارتباط گرفتن او با انسان‌ها نیز صادق است. اگر دشمن پی به این تکنولوژی در برادر من ببرد، بهانه‌اش را عوض

### پیشــــخــــوان

**گر مرد میدانی بیا!**

### پشــــت پنجره

## چیستے نفاق، پیش گیری و درمان آن

کلاس ختم مفهومی قرآن استاد اخوت، شنبه‌ها، سوره مبارکه نساء

﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَ لَن تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا(۱۲۵) إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَ أَصْلَحُوا وَ أَغْتَصَمُوا بِاللّهِ وَ أَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَوْفَ يَوْتِ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا(۱۲۶)﴾
سوره مبارکه نساء

یکی از بزرگترین خطراتی که جامعه‌ی اسلامی با آن روبروست، خطر نفاق است. ماهیت نفاق، پنهانی و نامحسوس است و در صورت عدم تدبیر مناسب برای مقابله با آن، امکان آلودگی جامعه به آن، بسیار بالاست.

قدم اول برای مقابله با نفاق، پرهیز از شباهت و یکسانی با منافقین در اعمال و بروزهای عینی است. انسان باید مراقب باشد تحت هیچ شرایطی با منافقان هم‌افق نشود و خواسته و ناخواسته، حرف‌ها و شعارهای آنان را تکرار نکند و بلندگوی منافقین در جامعه نشود.

علت اصلی به وجود آمدن نفاق در وجود فرد و جامعه، جهل و منفعت‌طلبی است. جهل و منفعت‌طلبی، دو آفت بزرگ عقل هستند. درمان جهل، علم است و درمان منفعت-طلبی، رعایت تقوایی همه‌جانبه است. بنابراین گسترش علم در جامعه و از روی علم سخن گفتن و **قدم اول** برای مقابله با نفاق، پرهیز از شباهت و یکسانی با منافقین در اعمال و بروزهای عینی است

تحلیل کردن، همراه با رعایت تقوای الهی، نفاق را در نطفه خفه می‌کند.

و اما راه‌های خروج یک جامعه و افراد آن از ظلمات نفاق، توبه و اصلاح خویشتن و اعتصام به ذات اقدس حق تعالی و خلوص در دین برای اوست. با انجام این دستورات و طی این مراحل، هم آنانی که در آیه پیش، جایگاه‌شان در پست‌ترین طبقات آتش، معرفی شده بود، استحقاق معیت و همراهی با مؤمنین را پیدا می‌کنند.

پروردگارا! به حق آیات نورانی سوره مبارکه نساء، بر محمد و آل محمد، درود بی‌کران بفرست و نفاق را از جوامع اسلامی ماریشه کن بفرما و در دینمان بصیرت، در قلبمان یقین، و در اعمالمان اخلاص قرار ده! آمین یا رب العالمین.

خواهد کرد. گمانم تحریم هم بشویم. برادر من با این

تکنولوژی اگر در زمان حضرت نوح(علیه‌السلام) می‌بود، حتماً به نجاری اشتغال داشت یا میخ می‌کوبید یا ارّه می‌کرد شاید هم آبدارچی نجارها می‌شد و تدارکات را بر عهده می‌گرفت. به هر حال، کنار دست پدر عزیزمان مشغول ساختن کشتی بود آن هم دور از دریا و آب و اصلاً برایش استهزای دیگران اهمیت نداشت. دیگرانی که وعده‌های خدا را یا فقط می‌شنیدند و عکس‌العملی نداشتند و یا انکارش می‌کردند. برادرم در زمان نوح(علیه‌السلام)، -که همه زمان‌هاست- تمام وجودش باور داشت که وعده خدا

**تکنولوژی ایمان‌سازی، که پایه‌اش در خوب انس گرفتن است و دست‌یابی به آن، پدیده‌های شناخته‌شده را از فانتزی بودن، دور بودن و ضرورت نداشتن، خارج می‌کند.**

نزدیک است و او نه فقط این وعده را می‌شنید، بلکه معطر به آن وعده می‌شد. وعده را در ذهن خود بارها مرور می‌کرد، گاهی از هیبت آن نفسش بند می‌آمد و گاه عرق روی پیشانی‌اش می‌نشست و البته بسیار هم اتفاق می‌افتاد که لبخندی بزند و آهسته گوشه چشم‌هایش را

<b>سه شنبه</b> <p>۲ اسفند ۱۳۹۰</p>	<b>سال اول</b>	<b>۳۹</b>
<b>۲۸ ربیع‌الاول۱۴۳۳</b>	<b>شماره</b>	

پاک کند. دلیل این حال و شرایط برای برادرم، به همان تکنولوژی و فن‌آوری برمی‌گردد که پیش از این سخنش به میان آمد و او بهره‌مند از آن است. نوعی تکنولوژی که هر چیز را برای یک مجاهد، نه صرفاً شنیدنی و نه فقط جالب، بلکه زیستنی و در درون متن زندگی قرار می‌دهد. تکنولوژی ایمان‌سازی، که پایه‌اش در خوب انس گرفتن است و دست‌یابی به آن، پدیده‌های شناخته‌شده را از فانتزی بودن، دور بودن و ضرورت نداشتن، خارج می‌کند. این تکنولوژی همه تکنولوژی در جهاد نرم است و با داشتن آن همه چیز در خدمت جهاد، قرار خواهد گرفت. این تکنولوژی می‌تواند توان یک نفر را به توان چهل مرد و بیشتر تبدیل کند.

امام سجاد(علیه‌السلام) فرمود:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَ جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزَبْرِالْعَدِيدِ وَ جَعَلَ قُوَّةَ رَجُلٍ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ يَكُونُونَ حُكَّامِ الْأَرْضِ وَ سَنَامُهُ»

مشكاةالأَنْوار، ص۷۹

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<b>رو به سوی نور</b>	
<div>کلاس پرورش تفکر قرآنی دوشنبه‌ها. آقای درّپخش</div>	

خدا را دوست داریم و همیشه دعا می‌کنیم در مسیر حق قرار گیریم. اما چرا وقتی خود را محاسبه می‌کنیم متوجه انحراف‌های کم و زیاد و گاهی صدوهشتاد درجه از مسیر درست می‌شویم؟ خدا که راه را به ما نشان داده و لوازم و امکانات وارد شدن در مسیر را هم به ما داده است. اما چرا در آن وارد نمی‌شویم؟ گاهی اصلا انگیزه‌ای برای این کار نداریم.

دلیلش این است که یا خدا و وعده‌هایش را باور نداریم، یا تصور درستی از خدا و وعده‌هایش نداریم. گاهی فکر می‌کنیم خدا ما را نمی‌بیند، یا قرار نیست به وعده‌هایش عمل کند، یا کسی در زندگی حریف ما نیست، یا ما قرار است از دنیا حسابی استفاده کنیم و نباید زمان و مالمان را برای غیر از خود خرج کنیم و به اصطلاح آن را هدر دهیم و….

درمان این درد به دست طبیعی است که در جمع و گفت‌وگوی جمعی یافت می‌شود. جمعی از اهل ایمان که کار آن ها توصیه به صبر و توصیه به مرحمه است. این توصیه باید توصیه متقابل باشد (تواصوا از باب تفاعل و از جنس فعل دوطرفه است). یعنی باید هر دو طرف **طی کردن مسیر حق توفیقی است که به مومنانی که به صبر و مرحمه توصیه می‌کنند، داده می‌شود.**

گفت‌وگو یکدیگر را به صبر و مرحمه توصیه کنند و کلام یکدیگر را تأیید و تکمیل کنند تا علم و فعل برای هر دوی آن ها اتفاق بیفتد. افراد در این گفت‌وگوها و در تفکر جمعی مسیر حق را شناسایی و ارزیابی می‌کنند و راه‌های رسیدن به وضعیت مطلوب را برای یکدیگر بازگو می‌کنند. سپس سعی می‌کنند همدیگر را برای رسیدن به کمال مطلوب یاری کنند.

طی کردن مسیر حق توفیقی است که به مومنانی که به صبر و مرحمه توصیه می‌کنند، داده می‌شود.

**منبع: سوره مبارکه بلد**

### خانوادگــــانه

## قول‌نامه برداشته از جلسات خانوادگی، چهارشنبه‌ها، مدرسه قرآن

**امیرالمؤمنین (علیه‌السلام):**  
**دعوت کننده بی‌عمل، چون تیرانداز بدون کمان است.**  
نهج البلاغه، حکمت ۳۲۷

یا من یقبل الیسیر

• به قول امیرالمؤمنین(علیه‌السلام)، دعوت کننده بی‌عمل، تیرانداز بی‌کمان را می‌ماند. این کلام تقریباً بدان معناست که تا عمل در کار نباشد، دعوت به خیر و نیکی نه تنها فایده‌ای در بر ندارد که به لعنت خدا هم می‌ارزد.
• به قول جلال، آرپی‌جی زن گروهان، تا وقتی موشک آرپی‌جی خرج پرتاب نداشته باشد، به هیچ دردی نمی‌خورد

### خوشه‌چینان

## اَجَلِ خوشه‌چینان به سر رسید؟! از گردان ادبی امام سجاد(علیه‌السلام)

خوب یادم هست سال ۸۶ را که اولین جلسه خوشه‌چینان وحی برگزار شد. هدف تولید انواع و اقسام محصولات فرهنگی بود. درست است که بر و بچه های مدرسه قرآن جمعی تخصصی‌هنری نبودند اما به‌قدر بضاعتشان کارهایی کردند تا بگویند: «می‌شود فرهنگ قرآنی شود.» «می‌شود تمام زیرساختهای فرهنگی جامعه از کتاب گرفته تا رسانه همه و همه را آغشته به کلمات وحی کرد و انسان وظیفه‌اش در این ورطه جز خوشه‌چینی نیست.»
شاید کسانی این عَرَقِ خاص را به این جلسه بیشتر متوجه شوند که چهار سال پیاپی عصرهای یک روز هفته‌شان را به خوشه چیدن یا مشاهده خوشه‌چینی بقیه گذرانده باشند.

همه و همه را آغشته به کلمات وحی کرد و انسان وظیفه‌اش

در این ورطه جز خوشه‌چینی نیست.»

## تَدَبُّر

کلاس تدبر ویژه خواهران پیش‌دانشجو، پنج شنبه‌ها

خانه است و ستونش، اصلا اصولش!

خانه تدبر خانه‌ای است که انسان با پناهنده شدن به آن می‌تواند به عاقبت چیزها توجه کند، می‌تواند در مورد عاقبت بیاندیشد(عاقبت اندیشی)، براساس معیارها عاقبت‌ها را بسنجد(عاقبت سنجی)، عاقبت‌ها را شناسایی کند(عاقبت شناسی) و نیز به سمت عاقبت‌ها گرایش پیدا کند.اما اصول این بنای مبارک:

اصل اول: قرآن به عنوان مهم‌ترین رافع نیاز انسان، عطایی منحصر به فرد به اوست. هیچ چیز به اندازه قرآن نمی‌تواند نیازی را از انسان برطرف کند.

اصل دوم: درجات انسان در دنیا و آخرت به فهم معانی آیات قرآن وابسته است. لذا هرچه انسان به این مفاهیم انس بیشتری داشته باشد، از رفعت، شکوه و درجه بیشتری نزد خداوند برخوردار است.

حتی اگر هزار تا موشک هم داشته باشی.

شبیه همین حرف‌ها را عباس تیربارچی، وقتی که سوزن تیربارش از کار افتاده بود می‌گفت، از بس که از این تیربار بیچاره کار کشیده بود.

• به قول شیخ شیرین‌سخن شیراز، مرحوم سعدی، عالم بی‌عمل، خیلی که هنر کند به زنبور بی‌عسل شبیه می‌شود تا چه رسد به اینکه بخواهد دعوت به علم و عمل هم بکند

• به قول اسماعیل آقای راننده، تا وقتی که پدری خودش اهل دود و دم باشد، عمراً نمی‌تواند پسر خود را از یک زدن به سیگار منع کند .

• به قول آقای مهندس، کاندیدای دوره می‌دانم چندم مجلس، «دو صد گفته چون نیم کردار نیست». یعنی اینکه من از زمین تا زیرزمین با بقیه فرق می‌کنم، یعنی اینکه من

<b>سه شنبه</b> <p>۲ اسفند ۱۳۹۰</p>	<b>سال اول</b>	<b>۳۹</b>
<b>۲۸ ربیع‌الاول۱۴۳۳</b>	<b>شماره</b>	

آخر عمل به شعارها هستم.

• به قول مرحوم ابوی، تو به مردم کار نداشته باش، راه خودت را برو، کار خودت را بکن، مردم خودشان می‌فهمند که دنبال کی باید راه بیفتند.

• به قول استاد، اگر انسان اهل عمل نباشد حرفش اثر ندارد ولی اگر حرفی اثر نکرد دلایلش این نیست که فردی که گفته، اهل عمل نبوده است. برای اینکه کارتان اثردار شود، خودتان نیز عمل کنید.

• باز هم به قول مولا علی(علیه‌السلام)، دعوت‌کننده بی‌عمل چون تیرانداز بدون کمان است، این یعنی انسان هرچه خودش بیشتر اهل فعل و عمل باشد، دعوت به خیرش بیشتر جواب می‌دهد .

• و سخن آخر اینکه: اهل عمل باشیم و مطمئن باشیم که در پرتو عمل، دعوت و خیرخواهی‌مان اثر خواهد گذاشت. و همین!

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<b>خوشه‌چینان</b>	
<b>اَجَلِ خوشه‌چینان به سر رسید؟! </b>	
<div>از گردان ادبی امام سجاد(علیه‌السلام)</div>	

به گردان ادبی امام سجاد(علیه‌السلام) داد. و حالا گردان ادبی با عزمی راسخ با به عرصه گذاشته است تا در اولین گام کتابچه‌های ادبی را سر و سامان بدهد. در دستور کار گردان ادبی پنج کتابچه سوره، شامل سُور مبارکه حمد، فلق، ناس، کوثر و مطففین، است. در ضمن وبلاگی هم با همین عنوان طراحی شده است که علاقه‌مندان می‌توانند برای اطلاع از اخبار گردان به آن مراجعه کنند:

http://Gordan-Adabi.blogfa.com

در اولین جلسات گردان بنا بر این شد که به سوره‌ها به چشم سوره نگاه کنند. به چشم زنده‌ای که دارد برای ما از کلام الهی سخن می‌گوید. به چشم معشوقی که دوست داریم با ما حرف بزند و برایمان از مفاهیمش بگوید. خود برایمان مفاهیمش را نازل کند و خود برای ما واژه و سوژه و… را برای نوشتن متن درگوشمان زمزمه کند.
باشد که با سوره‌ها دوست شویم.

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<b>پیش‌دانشجو</b>	
<b>تَدَبُّر</b>	
<div>کلاس تدبر ویژه خواهران پیش‌دانشجو، پنج شنبه‌ها</div>	

خانه است و ستونش، اصلا اصولش!

خانه تدبر خانه‌ای است که انسان با پناهنده شدن به آن می‌تواند به عاقبت چیزها توجه کند، می‌تواند در مورد عاقبت بیاندیشد(عاقبت اندیشی)، براساس معیارها عاقبت‌ها را بسنجد(عاقبت سنجی)، عاقبت‌ها را شناسایی کند(عاقبت شناسی) و نیز به سمت عاقبت‌ها گرایش پیدا کند.اما اصول این بنای مبارک:

اصل اول: قرآن به عنوان مهم‌ترین رافع نیاز انسان، عطایی منحصر به فرد به اوست. هیچ چیز به اندازه قرآن نمی‌تواند نیازی را از انسان برطرف کند.

اصل دوم: درجات انسان در دنیا و آخرت به فهم معانی آیات قرآن وابسته است. لذا هرچه انسان به این مفاهیم انس بیشتری داشته باشد، از رفعت، شکوه و درجه بیشتری نزد خداوند برخوردار است.